

درس اول

خواجه عبدالله انصاری ملقب به شیخ الاسلام و معروف به پیر انصار و پیر هرات از دانشمندان و عارفان قرن پنجم است که در سال ۴۸۱ هـ.ق در هرات درگذشت. از آثار مشهور او الهی نامه، زادالعارفین، مناجات نامه و رساله‌ی دل و جان را می‌توان نام برد. مناجات‌های خواجه عبدالله انصاری مسجع، لطیف، دلشین، ساده و سرشار از مضامین عرفانی است. در زیر یکی از مناجات‌های خواجه را می‌خوانیم.

الهی

به نام آن خدای که نام او راحت روح است و پیغام او مفتاح فتوح* است و سلام او در وقت صباح مؤمنان را صبح* است^۱ و ذکر او مرهم دل مجروح است و مهر او بلانشینان را کشتی نوح است.

ای کریمی که بخشنده‌ی عطایی و ای حکیمی که پوشنده‌ی خطایی و ای صمدی که از ادراک خلق جدایی و ای احدی که در ذات و صفات بی‌همتایی و ای خالقی که راهنمایی و ای قادری که خدایی را سزایی، جان ما را صفای خود ده و دل ما را هوای خود ده و چشم ما را ضیای خود ده و ما را آن ده که آن به و مگذار ما را به که و مه.^۲

الهی، عبدالله عمر بکاست^۳ اما عذر نخواست.

الهی، عذر ما بپذیر، بر عیب‌های ما مگیر.^۴

الهی، ترسانم از بدی خود؛ بیمارم مرا به خوبی خود.

الهی، در دل‌های ما جز تخم محبت خود مکار و بر تن و جان‌های ما جز الطاف و

مرحمت خود منگار و بر کشته‌های ما جز باران رحمت خود مبار.

سید محمد حسین بهجت تبریزی، متخلص به شهریار (۱۳۶۷-۱۲۸۵ تبریز)
 از برجسته‌ترین شاعران غزل‌سرای معاصر است. او علاوه بر غزل در سرودن
 انواع شعر فارسی مهارت داشت. از آثار او می‌توان به منظومه‌ی «حیدربابایه
 سلام» (به زبان ترکی آذربایجانی) و کلیات اشعار (در پنج جلد) اشاره کرد. «همای
 رحمت» یکی از سروده‌های مشهور و شورانگیز شهریار در وصف مولای متقیان
 علی (ع) است. او در این سروده، با بهره‌گیری از زبانی صمیمی و عاطفی و ساده و
 روان، باور و ایمان عمیق و ارادت خود را نسبت به اهل بیت (ع) آشکار می‌سازد.

همای رحمت

علی ای همای* رحمت تو چه آیتی خدا را!
 که به ما سوا* فکندی همه سایه‌ی هما را^۵
 دل اگر خداشناسی همه در رخِ علی بین
 به علی شناختم من، به خدا قسم، خدا را
 مگر ای سحاب* رحمت تو بیاری ارنه دوزخ
 به شرارِ قهر سوزد همه جانِ ما سوا را
 برو ای گدای مسکین در خانه‌ی علی زن
 که نگینِ پادشاهی^۶ دهد از کرم گدا را
 ۵ به جز از علی که گوید به پسر که قاتلِ من
 چو اسیر توست اکنون به اسیر کن مدارا^۷؟
 به جز از علی که آرد پسری ابوالعجایب
 که عَلم کند به عالم شهدای کربلا را؟
 چو به دوست عهد بندد ز میانِ پاک‌بازان
 چو علی که می‌تواند که به سر برد وفا را؟
 نه خدا توانمش خواند نه بشر توانمش گفت
 متحیرم چه نامم شه‌ملکِ لافتی^۸ را!

به دو چشم خون‌فشانم، هله* ای نسیمِ رحمت
 که ز کوی او غباری به من آر توتیا* را^{۱۰}
 به امید آن که شاید برسد به خاک پایت
 چه پیام‌ها سپردم، همه سوزِ دل، صبا* را
 چو تویی قضایُ گردان، به دعای مستمندان
 که ز جان ما بگردان ره آفتِ قضا^{۱۱} را
 چه زخمِ چو نای هر دم، ز نوای شوق او دم؟
 که لسانِ غیب^{۱۱} خوش‌تر بنوازد این نوا را
 «همه شب در این امیدم که نسیمِ صبحگاهی
 به پیامِ آشنایی بنوازد آشنا را»
 ز نوای مرغِ یاحق^{۱۲} بشنو که در دلِ شب
 غمِ دل به دوست گفتن چه خوش است شهریارا



نقاشی خط اثر استاد اسرافیل شیرچی



- ۱ - سلام او (رحمت الهی) در صبحگاه، مؤمنان را سرمستی و نشاط می‌بخشد.
- ۲ - ما را اسیر کوچک و بزرگ نکن (ما را جز به خودت به کس دیگر وامگذار).
- ۳ - پیر شد.
- ۴ - بازخواست نکن.
- ۵ - سایه‌ی خوشبختی و رحمت الهی را بر سر همه‌ی موجودات عالم افکنده‌ای.
- ۶ - مقصود شاعر، بخشش فراوان علی (ع) است و به آیه‌ی «أَمَّا وَلَيْكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ» (آیه‌ی ۵۵ مائده) اشاره دارد که حضرت علی (ع)، انگشتر خود را در نماز به سائل بخشید.
- ۷ - در این بیت شاعر سؤالی را طرح کرده که به پاسخ نیاز ندارد و تنها برای تأکید بیشتر آمده است.
- ۸ - اشاره به جمله‌ی مشهور «لافتی الآ علی لا سیف الآ ذوالفقار» است که ندایش هم‌زمان با رشادت‌های فوق‌العاده‌ی آن حضرت در غزوه‌ی احد در فضای آسمان پیچیده شده بود. معنی جمله این است: جوانمردی چون علی و شمشیری چون ذوالفقار نیست.
- ۹ - توتیا را یعنی برای توتیا. «را» در این بیت حرف اضافه و به معنی «برای» است.
- ۱۰ - ای علی، چون تو گرداننده‌ی قضا (تغییر دهنده‌ی قضا و پیشامدهای ناگوار) هستی، به حق دعای نیازمندان و دل‌آزردگان پیشامدهای بد را از ما دور گردان.
- ۱۱ - منظور از لسان غیب (لسان الغیب)، حافظ شیرازی است. بیت بعدی از حافظ است.
- ۱۲ - مرغ حق، نوعی جغد؛ که هنگام آواز خواندن گویی کلمه‌ی «حق» را تکرار می‌کند.

بیاموزیم

- ۱ - مهر او بلانشینان را **کشتی نوح** است.
 - ۲ - نه خدا توانمش خواند نه بشر توانمش گفت
- متحیرم چه نامم شه ملک **لافتی** را
 در نمونه‌ی ۱ به داستان حضرت نوح و در نمونه‌ی ۲ به حدیث «**لافتی**
الآ علی لا سیف الآ ذوالفقار» اشاره شده است. به این نوع استفاده از آیات،
 احادیث، داستان‌ها و وقایع تاریخی در ضمن شعر یا نوشته «**تلمیح**» می‌گویند.
 تلمیح در لغت یعنی به گوشه‌ی چشم اشاره کردن، چند نمونه‌ی دیگر تلمیح:
 □ آسمان بار امانت نتوانست کشید قرعه‌ی کار به نام من دیوانه زدند

اشاره به آیه‌ی: **إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا.**

□ چنین گفت پیغمبر راست گوی
ز گهواره تا گور دانش بجوی
اشاره به حدیث: **أَطْلُبُوا الْعِلْمَ مِنَ الْمَهْدِ إِلَى اللَّحْدِ**
□ بیستون بر سر راه است، مباد از شیرین

خبری گفته و غمگین دل فرهاد کنید

بهار

اشاره به داستان شیرین و فرهاد.



خودآزمایی

- ۱- یک نمونه سجع در مناجات خواجه عبدالله بیابید.
- ۲- در عبارت «بر کشته‌های ما جز باران رحمت خود مبار» مقصود از «کشته‌ها» چیست؟
- ۳- بیت پنجم شعر همای رحمت به چه موضوعی اشاره دارد؟
- ۴- شاعر در کدام بیت ناتوانی خویش را از وصف علی (ع) بیان می‌کند؟
- ۵- در بیت سیزدهم مقصود از پیام آشنا و آشنا چیست؟
- ۶- نمونه‌ای دیگر از تلمیح را که قبلاً خوانده‌اید، بیان کنید.
- ۷- نمونه‌ی دیگری از مناجات‌های خواجه عبدالله انصاری را در کلاس بخوانید.